

## ساختن حرم و بارگاه از منظر قرآن کریم، سنت و سیره مسلمانان

احمد رضا دردشتی\*

محمد رضا پیری\*

### چکیده

تأثیرپذیری وهابیت از اندیشه‌های ابن تیمیه، زمینه‌ساز ایرادها، اشکالات و اتهام‌های زیادی علیه شیعیان بوده است. یکی از ایرادهای مطرح، ساختن بارگاه، بنای ضریح و حرم خواندن قبور اولیای الهی است. وهابیان این رفتارها را حرام و مشرکانه دانسته و معتقدند که این امور از بدعت‌های شیعیان است که جایی در عقائد، احکام اسلامی و سیره پیوسته عموم مسلمانان ندارد. اتهام رفتارهای مشرکانه در حالی پیوسته به پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام نسبت داده می‌شود که در قرآن کریم و سیره مستمر مسلمانان، از صدر اسلام تاکنون، مشروعیت، بلکه رجحان بنای بارگاه و ضریح بر قبور صالحان و حرم خواندن آن بارگاه‌ها و نماز و عبادت در آن مکان‌ها تأیید شده است؛ بسیاری از صحابه، تابعان و عالمان اهل سنت به زیارت قبور پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان شیعه علیهم‌السلام و بزرگان دین رفته و به آنان توسل می‌جسته و در کنار مراقد آنان به عبادت و استغاثه به درگاه خداوند می‌پرداخته‌اند. شیوه رفتار صحابه، تابعان و دیگر مسلمانان با قبور اولیای الهی در طول تاریخ دلیل محکمی علیه ادعاهای بی‌اساس وهابیان است.

**کلیدواژگان:** حرم، قبور اهل بیت علیهم‌السلام، شرک، شیعیان، وهابیان، بنای بارگاه.

---

\* دانشجوی دکتری قرآن و علوم روانشناختی جامعه المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم العالمیه؛ ahmad.rezaporsesh@gmail.co

\* دانشجوی دکتری مدرسی معارف دانشگاه قم؛ piry313@yahoo.com

## مقدمه

اعتقادات و نظریات کلامی و فقهی وهابیان از افکار و نظریات کلامی و فقهی ابن تیمیه متأثر است. آنان در بسیاری از مسائل عبادی و اجتماعی بر خلاف اجماع مسلمانان می‌اندیشند و عموم مسلمانان را به سبب تفاوت و تضاد فکری با آنان، به شرک و ارتداد متهم می‌کنند. یکی از مسائل اختلافی، حکم فقهی ساختن بارگاه بر قبور اولیا و صالحان و حرم خواندن آن است. وهابیان چنین کارهایی را حرام و مشرکانه دانسته و به شدت آن را محکوم می‌کنند. ابن تیمیه در این باره چنین می‌نویسد: «حرم‌های ساخته شده بر قبور انبیاء و صالحان و اهل بیت علیهم‌السلام، تماماً از بدعت‌های حرامی است که در دین اسلام ایجاد شده و برخلاف دین الهی و نوعی شرک است!» (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ ق، ج ۲، ص ۴۳۷).

در این نوشتار با بررسی انتقادی ادله وهابیان و ارائه ادله گوناگون دینی اثبات خواهیم کرد که ساختن بارگاه بر قبور امامان اهل بیت علیهم‌السلام و دیگر اولیای الهی نه تنها مباح است؛ بلکه از منظر دین، رفتاری مستحب و مستحسن به‌شمار می‌رود.

ضرورت پرداختن به این مباحث به صورت علمی، منطقی و به دور از هیجان و تعصب بر کسی پوشیده نیست. امروزه وهابیان با بکارگیری انواع روش‌های تبلیغی، به خصوص بهره جستن از فضای مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای، ضمن تبلیغ و ترویج اعتقادات و ارزش‌های مورد قبول خود، به باورها و ارزش‌های دیگر مسلمانان، خصوصاً پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام حمله می‌کنند و از سال‌ها پیش آتش جنگ‌های مذهبی را در میان مسلمانان شعله‌ور ساخته و همچنان بر آن می‌دمند. شکی نیست که بسیاری از کسانی که به گروه‌های تکفیری می‌پیوندند، خصوصاً جوانان پسر و دختر، از آگاهی و اطلاعات بسیار اندکی درباره مبانی و مسائل اسلامی، خصوصاً مسائل اختلافی میان مذاهب، برخوردارند و همین آگاهی اندک زمینه را برای شستشوی مغزی آنان فراهم می‌سازد. از این رو لازم است علمای اسلامی از همه فرقه‌ها و مذاهب، به بحث‌های علمی و منطقی بدون تعصب و هیجان پرداخته و زمینه را برای افزایش و تعمیق خودآگاهی اسلامی ایجاد کنند. افزون بر آنچه گفته شد، مباحث



اختلافی میان فرق اسلامی در حوزه‌های مختلف کلامی و فقهی، همواره مباحثی نو شونده بوده و در هر زمان به صورت‌های گوناگون و به علل مختلف، بازتولید شده است. بنابراین هرچند پاره‌ای از این مسائل از سال‌های بسیار دور در میان عالمان مسلمان محل بحث و نقادی بوده اما اهمیت پرداختن به آن در زمان ما همچنان حفظ شده است.

امروزه بسیار لازم است که مباحث اسلامی، خصوصاً مباحث اختلافی، با قلمی روزآمد، بیانی روشن و در قالب‌هایی متناسب با ادبیات زمانه به نسل‌های مسلمان کنونی ارائه شود و راه برای تعامل‌های علمی بیش از پیش هموار گردد. امروزه مسئله بنای بارگاه و حرم ساختن و حرم خواندن مراقد اهل بیت علیهم‌السلام یکی از رفتارهای فرهنگی راهبردی است. اگرچه در گذشته بنای گنبد و بارگاه بر قبور اولیا بیش از هر چیز، برای تکریم مقام آنان بود، در این زمانه، مراقد آنان به پایگاه‌های استراتژیک فرهنگی و خاستگاه تولید و بازتولید عناصر فرهنگ دینی تبدیل شده است. از این رو اهمیت پرداختن به عمران و آبادی این بناها از یکسو و استفاده از موقعیت فرهنگی و معنوی آن برای گسترش و تعمیق فرهنگ دینی، قابل انکار نیست. از این رو پاسخ به شبهات مطرح شده درباره زیارت و تکریم مراقد امامان و امام زادگان و تبیین کارکردها و آثار مثبت چنین مکان‌ها و مناسکی از اهمیت زیادی برخوردار است. در این نوشتار که با روش توصیفی - تحلیلی سامان یافته، به تبیین خاستگاه دینی چنین مناسکی با استناد به منابع تشریح دینی، یعنی قرآن کریم، سنت پیامبر و سیره متشرعان خواهیم پرداخت.

### مبانی انسان‌شناختی فقه اسلامی

فقه اسلامی، اصل در همه رفتارهای انسان را اباحه می‌داند، مگر آنکه حرمت یا وجوب رفتاری با دلائل معتبر فقهی اثبات شود. فقه اسلامی بر بنیاد مصالح و مفاسد واقعی بنا شده و تا حد ممکن به آزادی و آسایش انسان‌ها احترام نهاده است. از یکسو بی‌علت و بدون حکمت، آزادی عمل آنان را محدود نساخته و از دیگر سو از مصالح و مفاسد واقعی که دین و دنیای آنان را به صورت جدی متأثر می‌سازد و سعادت حقیقی آنان را





تأمین یا تخریب می‌کند، غفلت نورزیده است. بر این اساس، حکم اولی در همهٔ مسائلی که انسان با آن روبرو می‌شود، اباحه است؛ مگر اینکه با دلیل معتبر عقلی یا نقلی (قرآن و سنت) حکم دیگری اعم از حرمت یا وجوب برای آن مقرر شده باشد. مسائلی مانند توسل، زیارت، ساختن حرم، آیین‌های مذهبی در احترام به قبور اولیا و غیره هم از این قاعده مستثنا نیست و اگر دلیل محکم و معتبری بر حرمت آنها نداشته باشیم، حکم حلیت و جواز آن مستمراً جاری خواهد بود؛ چه رسد به آنکه ادله‌ای دال بر جواز و حتی استحباب آن در منابع معتبر دینی، موجود باشد. از این رو در بحث‌های اختلافی میان وهابیان با عموم مسلمانان، روش صحیح حل اختلاف این است که وهابیان بر نظر خود اقامه دلیل کنند؛ نه آنکه عموم مسلمانان موظف باشند برای اثبات نظرات فقهی خود وهابیان را مجاب گردانند! اگر دلائل ارائه شده از سوی وهابیان توان اثبات نظریات آنان را نداشته باشد، بر طبق قاعده اصالة الاباحه، همهٔ رفتارهایی که از سوی آنان مشرکانه تلقی می‌شود، مباح خواهد بود.

### قرآن کریم و ساختن بارگاه بر قبور نیکان

اولین و مهم‌ترین منبع تشریح اسلامی، قرآن کریم است. پایهٔ همهٔ احکام فقهی را می‌توان و باید در قرآن کریم جستجو کرد؛ هرچند تفصیلات آن احکام در منابع دیگر بیان شده است. از این رو به صورت منطقی باید مسئلهٔ جواز یا عدم جواز ساختن بارگاه و حرم خواندن مراقد امامان را نخست در قرآن کریم بررسی کنیم. در قرآن کریم دو آیه وجود دارد که غالب مفسران اهل سنت برای اثبات جواز ساختن بارگاه بر قبور صالحان، به آنها استناد کرده‌اند:

۱. ﴿إِذِيتَنَازُ عُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرُهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُيُوتًا رُبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا﴾ و یادآور آن هنگام را که دربارهٔ کار آنها [اصحاب کهف] میان آن مردم اختلاف افتاد؛ پس برخی گفتند که بر (غار) آنها بنایی بسازیم؛ خداوندگارشان به آنها داناتر است؛ [اما] کسانی که بر ماجرای آنان اطلاع یافتند گفتند که مسجدی (برای یکتاپرستی) بر غار آنان بسازیم» (کهف: ۲۱).

در این آیه خداوند به پایان ماجرای اصحاب کهف اشاره می‌کند، پس از آنکه



جوانمردان کوه آنجلس از خواب ۳۰۰ ساله بیدار شدند، کسی را برای خرید غذا به شهر روانه کردند. فرستاده که از حقیقت ماجرا مطلع نبود با پول‌هایی که از پیش در اختیار داشت برای خرید نان و آذوقه به مغازه‌ها مراجعه می‌کرد؛ در این میان برخی از مردم به وضعیت ظاهری مشکوک او پی‌بردند و کار به مأموران انتظامی شهر، ارجاع شد و آرام آرام راز ۳۰۰ ساله خواب اصحاب کهف فاش گردید. از آنجا که چند قرن از دوره دقیانوس و فرار مردان غارنشین می‌گذشت و در این سال‌ها خداپرستان به حکومت رسیده بودند، مردم مشتاقانه برای دیدن اصحاب کهف در کنار کوه گرد آمدند. همه منتظر بودند تا آن جوانمردان را از نزدیک زیارت کنند. اما وقتی فرستاده غارنشینان وارد غار شد تا ماجرا را برای رفیقان خود تعریف کند، ناگهان دهانه غار بهم آمد و دسترسی به غارنشینان برای مردم ناممکن شد. مردم هراسان و پرس و جویمان در کنار غار به گفتگو و مذاکره پرداختند و هر گروهی نظر خاصی را درباره غار و غارنشینان مطرح می‌کرد. برخی پیشنهاد کردند که بر در غار بنای یادبودی ساخته شود. ظاهر آیه نشان می‌دهد که مهم‌ترین و مقبول‌ترین نظر این بود که برای تجلیل از شخصیت و رفتار اصحاب کهف، بر در غار مسجدی ساخته شود که از آن پس محل عبادت خداپرستان قرار گیرد. از طرفی روش بحثی و علمی قرآن کریم این است که هر جا نظر نادرستی در موضوعات دینی از کس یا کسانی مطرح شود، حتماً درباره آن اظهار نظر کرده و حکم بطلان و وجه یا وجوه بطلان آن را به تصریح یا تلویح بیان می‌کند. اما می‌بینیم که در این جا بدون هیچ اظهار نظر صریح یا اشاره‌ای از کنار نظر این گروه عبور می‌کند. عدم اظهار نظر قرآن دلیل روشنی بر جواز این نظر (ساختن مسجد در کنار غاری که محل دفن اصحاب کهف است) است.

طبری در تفسیر آیه می‌نویسد: «مشرکان گفتند: بر قبر آنان بنای یادبودی بسازیم؛ زیرا غارنشینان، فرزندان اجداد ما بوده‌اند؛ اما خداپرستان گفتند: ما به تصمیم‌گیری سزاوارتریم! چون آنان مؤمن و موحد بودند و می‌بایست بر قبر آنها مسجدی برای عبادت خداوند بنا کنیم» (طبری، ۱۴۲۰ق، ج ۱۷، ص ۶۳۵).

بنابراین سیاق آیه، سیاق تأییدی است و آیه نشان‌گر تأیید ایده مسجدسازی بر غار مردان آنجلس از سوی مؤمنان است. زمخشری در تفسیر آیه می‌نویسد: «بر در غار



مسجدی بنا می‌کنیم تا مؤمنان در آنجا نماز بخوانند و به محل دفن اصحاب کهف تبرک بجویند!» (زمخشری، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۶۶۵).

بنا به آیه مذکور چنانچه بنای بارگاه و معبد بر قبور اولیای الهی شرک می‌بود، قرآن کریم پس از نقل داستان می‌بایست ایده و عمل مؤمنان را مردود معرفی کند؛ ولی هیچ‌گونه رد یا انکاری در آیه یا پس از آن نیامده است؛ حتی سیاق آیه از تأیید تلویحی آن حکایت می‌کند. بر این اساس آیه مذکور بر جواز، بلکه استحباب ساخت مکان عبادت در کنار قبور پیامبران و اولیای الهی دلالت دارد.

۲. ﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾؛ در خانه‌هایی که خداوند اذن داده والا مرتبه باشد و در آن نام او برده شود؛ صبحگاهان و عصرگاهان در آن خانه‌ها تسبیح او کنند!» (نور: ۳۶).

بنا به روایاتی که ذیل آیه مذکور وارد شده، مراد از «بُیُوتٍ» در این آیه خانه‌های انبیاست. در روایاتی چنین آمده است: «یکی از صحابه از نبی مکرم ﷺ پرسید: «ای رسول خدا! مراد از آن بیوت چیست؟ پیامبر اکرم ﷺ فرمود: مراد خانه‌های انبیاء است. ابوبکر پرسید: «آیا خانه علی و فاطمه هم جزء خانه‌های انبیاست؟ پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «آری! از بافضیلت‌ترین آن خانه‌هاست!» (سیوطی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۲۰۳). پس مراد از بیوت در این آیه، بیوت انبیاست و خانه امام علی ع و حضرت فاطمه زهراء ع هم از برترین آن خانه‌هاست و از این رو عبادت در کنار خانه آنها با اذن الهی همراه است!

در تبیین معنای «تَرْفَعَ» روایات زیادی از طرق مختلف وارد شده است. ابن عباس و مجاهد بر این باورند که مراد از «تَرْفَعَ» برافراشته شدن بنا و برآمدن ساختمان آن خانه‌هاست: «ترفع، ای تبنی و تلعی؛ ساختمان‌هایی بر آن خانه‌ها بنا شود و بنای آن برافراشته گردد» (اندلسی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۵۲۸). حسن بصری و ضحاک گفته‌اند که مراد از ترفع، محترم و گرامی داشتن آن خانه‌هاست (جویری، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۲۹۸) و از آنجا که ساختن بارگاه و نظافت و مراقبت از آن جهت عبادت، یکی از مصادیق مهم تکریم است، ساختن بارگاه بر خانه‌ها و قبور اولیای الهی مجاز و مباح بلکه مستحب خواهد بود.



زمخشری در تفسیر آیه می‌نویسد: «رفع بیوت، یا به معنای بنای بیوت است؛ همانند آیه شریفه ﴿وَإِذِیْرَفَعُ إِبْرَاهِیْمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِیْلُ﴾ و یا به معنای تعظیم بیوت و بالا بردن قدر و منزلت بیوت است» (زمخشری، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۲۴۷). نتیجه آنکه اگر مراد از رفع در «أَنْ تُرْفَعَ» بنای ظاهری باشد، دلالت صریح آیه بر جواز، بلکه استحباب بنای بارگاه و معبد بر بیوت انبیا و اولیاست؛ خصوصاً با در نظر گرفتن اینکه مدفن پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و تعدادی از ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام در خانه‌هایشان بوده است؛ اما اگر مراد از رفع در «أَنْ تُرْفَعَ» خصوص رفع ظاهری نباشد، اطلاق آیه در جانب «ان ترفع» شامل هرگونه رفعت و بلندی، اعم از رفعت مادی و رفعت معنوی می‌شود. بنابراین آیه بر اذن خداوند به تکریم و حفظ بیوت انبیا و اولیای الهی دلالت می‌کند و اطلاق این معنا، ساختن بارگاه بر قبور اولیای الهی و تعمیر آن را نیز شامل می‌شود! زیرا عرف، از اطلاق جواز یا استحباب تکریم، همه مصادیق آن را فهم می‌کند. بنابراین هر معنایی که از «رفع» مراد باشد، به صراحت یا دلالت التزام بر بنای بارگاه بر قبور انبیا و اولیاء، حرم‌سازی و نصب ضریح و گنبد و مناره بر آن، به‌عنوان یکی از مصادیق بارز گرامی داشتن بیوت انبیا و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام است، دلالت خواهد کرد.

### اهتمام صحابه پیامبر و تابعان بر جواز ساختن حرم

گزارش‌های فراوانی در کتاب‌های اهل سنت وجود دارد که از اهتمام ویژه صحابه و تابعان به ساختن بنا بر قبور حکایت دارد. شواهد بسیاری نشان می‌دهد قبر پیامبر و بسیاری از صحابه آن حضرت همواره مورد تکریم مسلمانان، از صدر اسلام تاکنون بوده است. این اهتمام یقیناً در تفکر دینی صحابه و تابعان ریشه دارد. صحابه و تابعان همواره تلاش داشتند که رفتارها و مناسک خود را به قرآن یا سنت پیامبر متکی سازند و وقتی رفتاری را به صورت گسترده در میان آنان می‌بینیم، دلیل بسیار روشنی بر وجود مدارک دینی در ذهن آنان برای آن رفتار است. در اینجا به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

#### ۱. ساختن حرم برای پیامبر

اولین کسی که برای پیامبر بارگاهی احداث کرد، خلیفه دوم، عمر بن خطاب بود



(سهمودی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۱۰۹-۱۱۵). در منابع اهل سنت آمده است که «أم المومنین عایشه پیش و پس از آنکه دیواری بر اطراف قبر پیامبر اکرم ﷺ بنا شود، در کنار قبر پیامبر اکرم ﷺ سکونت داشت و همانجا هم عبادت می کرد». عبدالله بن زبیر، حائط اطراف قبر را از بین برد و بنای جدیدی بر آن ساخت. عمر بن عبدالعزیز بنای ابن زبیر را ویران و بنایی از نو ساخت و حرم را توسعه داد.

ولید بن عبدالملک از خلفای اموی، به عمر بن عبدالعزیز که در آن زمان حاکم مدینه بود، فرمان داد تا حرم پیامبر را بازسازی کرده و توسعه دهد و حجرات زنان پیامبر اکرم ﷺ را هم به محدوده حرم بیافزاید (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص ۹۰-۸۹). نکته حائز اهمیت این است که این ساخت و سازها در حالی صورت می گیرد که رفتار خلفا نه تنها از سوی صحابه و تابعان سرزنش نمی شود که همراهی توده مردم با تغییرات صورت گرفته حاکی از رضایت مؤمنان نسبت به این رفتارهاست و این گزارش ها به خوبی نشان می دهد که صحابه و تابعان پیامبر و بزرگان اهل سنت درباره ساختن حرم نظری متفاوت از وهابیان داشته اند.

## ۲. ساختن حرم برای دیگر بزرگان مذاهب اسلامی

الف) ساختن بارگاه قبر سلمان فارسی در مدائن (خطیب بغدادی، [بی تا]، ج ۱، ص ۱۶۳).

ب) ساختن بارگاه قبر طلحه و زبیر در بصره (ابن بطوطه، [بی تا]، ج ۱، ص ۱۴۳).

ج) ساختن بارگاه قبر احمد بن حنبل؛ ذهبی درباره قبر احمد بن حنبل در بغداد می نویسد: ضریح احمد بن حنبل زیارتگاه مردم بغداد است (ذهبی، [بی تا]، ص ۱۰۳).

## ۳. مسلمانان و قداست قبور انبیا و اولیا

مسلمانان از صدر اسلام تا کنون، نسبت به قبور پیامبر اسلام و بزرگان دین، احترام ویژه ای قائل بوده اند. آنان همواره به عنوان رفتاری مشروع و اسلامی، بارها در آن حرم ها حضور یافته و با احترام به آن قبور و توسل به صاحبان آن قبرها به خداوند متعال تقرب می جستند. در کتاب های تاریخ و شرح حال مسلمانان، خصوصاً کتاب های اهل سنت نمونه های فراوانی از این گونه تشریف ها آمده است که به برخی از آنها اشاره می شود:



## الف: تبرک جستن

روایات فراوانی در کتاب‌های اهل سنت وجود دارد که نشان می‌دهد صحابه پیامبر و بسیاری از مسلمانان به قبر پیامبر اسلام و بزرگان دین تبرک می‌جسته‌اند:

۱. ابن منکدر تابعی، صورتش را بر قبر پیامبر ﷺ می‌گذاشت و می‌گفت: «هرزمان مشکل و یا فراموشی و لکنت زبان برایم پیش می‌آید، از قبر پیامبر ﷺ شفا و یاری می‌طلبم!» (ذهبی، [بی‌تا]، ج ۵، ص ۳۵۹).

۲. عبدالله بن عمر دست خود را بر قبر شریف پیامبر می‌گذاشت (هروی القاری، ۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۹۹).

۳. بلال حبشی خود را بر روی قبر شریف پیامبر ﷺ انداخت و بدن خود را به قبر می‌سایید (ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۴۴).

۴. عبدالله بن احمد بن حنبل می‌نویسد: از پدرم پرسیدم: «مسّ منبر رسول الله و تبرک به آن و بوسیدن و یا مسّ و متبرک شدن به قبر شریف و یا بوسیدن آن به قصد ثواب چه حکمی دارد؟ پدرم گفت: «هیچ اشکالی ندارد!» (سهمودی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۲۱۷).

۵. بارگاه ابوحنیفه؛ «محمد بن ادريس شافعی می‌گفت: «من هرروز به کنار قبر ابوحنیفه می‌رفتم و به قبر او تبرک می‌جستم! وقتی مشکلی برایم پیش می‌آمد، در کنار قبر او دو رکعت نماز می‌خواندم و متوسل می‌شدم و حاجتم برآورده می‌شد!» (خطیب بغدادی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۱۲۳).

۶. گزارش‌های متکثر تاریخی گواه این واقعیت است که مسلمانان همواره به عنوان تبرک از خاک پاک قبر پیامبر ﷺ و حضرت حمزه، عموی پیامبر، بلکه از کلّ مدینه مقداری بر می‌داشتند و همراه خود داشتند. در کتاب‌های حدیثی، روایاتی وجود دارد که اثبات می‌کند که خاک مدینه النبی، شفای هردردی و موجب امنیت یافتن از بیماری خوره و سردرد است. زرکشی می‌نویسد: «جواز برگرفتن از تربت قبر حمزه از حکم عام عدم برداشتن خاک حرمین استثنا شده است؛ زیرا اتفاق همگان بر جواز نقل آن برای معالجه صداع (سردرد) است (سهمودی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۹۵).





### ب) استغاثه جستن

گزارش‌های متعدد تاریخی نشان می‌دهد که صحابه پیامبر همواره به هنگام گرفتاری به قبر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ متوسل می‌شده و در آن مکان از روح بلند پیامبر رحمت مدد می‌گرفته‌اند. توجه به سیره صحابه از آن رو حائز اهمیت است که مهم‌ترین راویان سنت و سیره پیامبر صحابه‌اند و در تفسیر روایات نبوی هم، تفسیر صحابه به عنوان مخاطبان اولیه آیات و کسانی که برای پرسش از ابهام‌های احتمالی دسترسی بسیار آسانی به پیامبر داشته‌اند، اهمیت فراوان دارد. از آن گذشته وقتی عملی در میان صحابه پیامبر شایع باشد، حتی اگر روایت و گزارش خاصی از پیامبر بر جواز آن عمل وجود نداشته باشد، نفس عمل صحابه می‌تواند دلیل خوبی بر جواز باشد. زیرا اگر دلیلی بر منع انجام آن عمل از سوی پیامبر صادر شده بود، صحابه اولین افرادی بودند که آن را می‌شنیدند و مبنای عمل خود قرار می‌دادند. در ادامه به نمونه‌هایی از رفتار صحابه در موضوع توسل به قبر پیامبر و اهمیت حضور در کنار آن اشاره می‌شود:

#### توسل به قبر پیامبر برای باران

عسقلانی می‌نویسد: «در زمان خلافت عمر مردم گرفتار قحطی و خشکسالی شدند. شخصی از اصحاب به قبر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ متوسل شد و گفت یا رسول الله! «اِسْتَسْقِ لَأُمَّتِكَ فَإِنَّهُمْ قَدْ هَلَكُوا ...!» (عسقلانی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۹۵).

در نقل دیگری آمده است که در یکی از سال‌های خلافت عمر بن الخطاب در مدینه قحطی شد و خشکسالی به شدت مردم را دچار مشکل ساخت. تمامی گیاهان و درختان بر اثر بی‌آبی خشک شد. بلال بن حارث با اعتقاد راسخی که به حضرت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ داشت نزد قبر مطهر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و به حضرت متوسل شد و درخواست باران نمود. رسول خدا در خواب با او سخن گفت و پیام داد که به عمر سلام رسان و بگو از خداوند باران بخواهد و مطمئن باشد که باران می‌آید و امت از قحطی نجات خواهند یافت (ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۳۵۶، ح ۳۲۰۰۲). ابن کثیر، پس از نقل این روایت، به صحت سند آن تصریح کرده و می‌نویسد: «این سند صحیح است!» (ابن کثیر، ۱۴۲۴ق، ج ۱۰، ص ۷۴).

### عایشه و استغاثه از قبر پیامبر

زمانی مردم مدینه گرفتار قحطی شدند، عده‌ای نزد عایشه شکوه بردند و از او کمک خواستند؛ عایشه در پاسخشان گفت: به سراغ قبر رسول خدا ﷺ بروید و از قبر ایشان طلب یاری کنید! (دارمی التمیمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۲۷).

### توسل و شفاعت‌خواهی در سیره سلف صالح

سبکی، از علمای بزرگ اهل سنت که از او به امام تعبیر می‌شود، می‌نویسد: «یجوز و یحسن التوسل و الاستغاثه و التشفع بالنبی ﷺ إلى ربه سبحانه وتعالى؛ و جواز ذلك و حسنه من الأمور المعلومه لكل ذی دین، المعروفه من فعل الأنبياء و المرسلین و سیر السلف الصالحین، و العلماء و العوام من المسلمین»؛ توسل، فریادخواهی و شفاعت‌خواهی از پیامبر اکرم ﷺ به سوی خداوند متعال جایز و نیکوست و روایی و حسن این امور برای هر دینداری، از رفتار انبیا، پیامبران و سبک رفتاری گذشتگان صالح ما و عالمان و عوام روشن است» (سبکی، ۱۳۱۸ق، ص ۲۹۳).

### زیارت قبر پیامبر در زمانه ما

امروزه با وجود سال‌ها تبلیغات شدید و گسترده وهابیان، عموم مسلمانان همچنان در ایام حج و دیگر ایام، مشتاقانه برای زیارت قبر پیامبر و قبور فرزندان و صحابه ایشان در قبرستان بقیع، از راه دور و نزدیک به عربستان سعودی مسافرت می‌کنند. این رفتار فرهنگی و اسلامی ریشه در فرهنگ کهن مسلمانان دارد.

بسیاری از مسلمانان علاوه بر زیارت و احترام به مرقد پیامبر، قبور امامان شیعی را نیز زیارت کرده و این قبور شریف همواره مورد توجه عالمان و عموم اهل سنت بوده است. جالب است بدانیم که در مسجد پیامبر مسلمانان سنی و شیعه دوشادوش هم در کنار قبر پیامبر تجمع کرده و به ابراز محبت و توسل به پیامبر می‌پردازند و مأموران و مبلغان وهابی مستمراً آنان را از این کار نهی کرده و با اتهام مشرک می‌رانند! این رفتار نهادینه شده فرهنگی ریشه در اعتقاد و عمل مستمر نسل‌های پیشین مسلمان تا عصر صحابه و تابعان دارد و امروزه به عنوان مجموعه‌ای از رفتارهای مناسبی و فرهنگی به نسل‌های کنونی منتقل شده است. ابوعلی خلال (متوفای ۲۴۲ هجری) استاد و شیخ حنبلی‌های عصر خویش، می‌نویسد: «هرگاه مشکلی برایم پیش می‌آمد، کنار قبر





موسی بن جعفر علیه السلام می‌رفتم و به او متوسل می‌شدم و مشکلاتم برطرف می‌شد» (خطیب بغدادی، [بی تا]، ج ۱، ص ۱۲۰).

محمد بن مامل می‌نویسد: «در حالات ابن خزیمه، پیشوای اهل حدیث و مقبول همه وهابیان و حنبلی‌ها آمده است: «به زیارت مرقد امام رضاء علیه السلام می‌آمد و آن چنان در برابر قبر و ضریح مطهر ایشان تعظیم و تواضع می‌کرد که توجه همه به سوی او جلب می‌شد و همه از اینکه چنین شخصیت بزرگی از اهل سنت این گونه در برابر قبر امام رضاء علیه السلام تعظیم می‌کند در حیرت و بهت می‌شدند!» (عسقلانی، ۱۳۲۶ق، ج ۷، ص ۳۸۸).

ابن حبان، رجال نویسنده مشهور اهل سنت، می‌نویسد: «مدتی در طوس بودم و هرگاه مشکلی پیش می‌آمد کنار قبر علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌رفتم و مشکلم را با او در میان می‌گذاشتم و برطرف می‌شد. بارها این قضیه را آزمودم و تجربه کردم و هرگاه به قبر علی بن موسی الرضا علیه السلام متوسل شدم، بدون نتیجه از حرم او بیرون نیامدم!» (بستی، ۱۹۷۳م، ج ۸، ص ۴۵۷).

ساختن حرم و بارگاه برای اولیای الهی و عالمان دینی، از عصر پیامبر به این سو سیره پیوسته عموم مسلمانان بوده است. فرهنگ زیارت قبور صالحان و عبادت در کنار ضریح‌ها و مقابر آنان یکی از عناصر فرهنگی شایع و ریشه‌دار در میان مسلمانان بوده و هست. حرم ساختن و زیارت حرم‌های اولیا مخصوص شیعیان نبوده و نیست. یک تحقیق میدانی و تجربی هم می‌تواند این مسئله را به خوبی نشان دهد. به عنوان نمونه‌ای از حرم‌های محترم در میان اهل سنت می‌توان به حرم ابوحنیفه، امام اعظم احناف، متوفای ۱۵۰ هجری؛ حرم احمد بن حنبل، امام حنبله و پیشوای وهابیان؛ حرم محمد بن ادریس شافعی، امام شافعیان و متوفای ۲۰۴ هجری در قاهره مصر؛ حرم مالک بن انس، امام مالکیان (متوفای ۱۷۹ق) در قبرستان بقیع اشاره کرد البته حرم او در سال ۱۳۴۴ هجری توسط عبدالعزیز بن سعود، همراه دیگر حرم‌ها و از جمله حرم ائمه علیهم السلام ویران شد. اهل سنت حتی برای ابوهریره در دو مکان بارگاه زیبا و باشکوهی ساخته‌اند: یک حرم در فلسطین اشغالی و حرمی هم در مصر.

## نتیجه‌گیری

۱. طبق آیه ۲۱ سوره کهف و آیه ۳۶ سوره نور، ساختن حرم برای انبیا و اولیای الهی نه تنها مشروعیت دارد، بلکه از اعمال مستحب به شمار می‌رود. عموم مفسران اهل سنت در تفسیر این آیات به چنین حکمی صراحتاً یا تلویحاً اعتراف کرده‌اند.
۲. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که صحابه بعد از رحلت رسول خدا ﷺ برای آن حضرت مقبره‌ای ساختند و هنگامه بروز مشکل به آنجا می‌رفته و به قبر آن حضرت استغاثه می‌جسته‌اند.
۳. عموم مسلمانان از عصر پیامبر ﷺ تا دوران فعلی، قبور انبیا، امامان شیعه و بزرگان دین را مقدس می‌شمرده و بارها برای زیارت و ادای احترام و حتی حاجت‌خواهی به آنها حرم‌ها مشرف می‌شده‌اند.
۴. تحلیل جامعه‌شناختی تاریخی درباره این مسئله نشان می‌دهد که رفتار فرهنگی ساختن حرم و حضور در آن و کسب معنویت از مقابر اولیای الهی امری است که در اعماق تاریخ مسلمانان ریشه دارد و نمی‌توان آن را به سده‌های اخیر (دولت صفویان) و اعتقادات برخی از مذاهب اسلامی (مثل پیروان اهل بیت علیهم السلام) استناد داد؛ بلکه رفتاری فراگیر و فرامذهبی است و در همه جوامع اسلامی و در میان پیروان همه مذاهب اسلامی قابل مشاهده و تباریابی است.



## فهرست منابع

### قرآن كريم

١. ابن أبي شيبة الكوفي، ابوبكر عبدالله بن محمد، *الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار*، تحقيق: كمال يوسف الحوت، رياض: مكتبة الرشد، ١٤٠٩ق.
٢. ابن اثير، ابوالحسن علي بن محمد بن محمد، *أسد الغابة في معرفة الصحابة*، بيروت: دارالفكر، ١٩٨٩م.
٣. ابن تيمية، *منهاج السنة النبوية*، تحقيق: محمد رشاد سالم، [بي جا]: جامعة الامام محمد بن سعود، ١٩٨٦م.
٤. اندلسي، ابوحيان، *تفسير بحر المحيط*، تحقيق: عادل احمد عبدالموجود، بيروت: دارالكتب العلمية، ٢٠٠١م.
٥. بستى، ابن حبان، *الثقات*، تحت مراقبة: الدكتور محمد عبدالمعديخان، حيدرآباد هند: دائرة المعارف العثمانية، ١٩٧٣م.
٦. تركمانى المشقى الشافعى، محمد بن احمد بن عثمان، *سير أعلام النبلاء*، محققين: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط، [بي جا]: مؤسسه النشر، [بي تا].
٧. جوزى، على بن محمد، *زاد المسير في علم التفسير*، تحقيق: عبدالرزاق المهدي، بيروت: داراحياء التراث العربى، [بي تا].
٨. خطيب بغدادى، ابوبكر احمد بن على بن ثابت، *تاريخ بغداد*، بيروت: دارالكتب العلمى، [بي تا].
٩. دمشقى، اسماعيل بن عمر ابن الكثير، *البداية و النهاية*، تحقيق: على شيرى، بيروت: داراحياء التراث العربى، ١٩٨٨م.
١٠. زمخشرى، جارالله، *الكشاف عن حقائق التنزيل و عيون الاقاويل فى وجوه التأويل*، تحقيق: عبدالرزاق المهدي، بيروت: داراحياء التراث العربى، [بي تا].
١١. سبكى، تقى الدين على بن عبد الكافى، *شفاء السقام فى زيارة خير الأنام*، مصر: المطبعة الأميرية الكبرى، ١٣١٨ق.



١٢. سهمودى، *وفاء الوفا باخبار دارالمصطفى*، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٩ق.
١٣. سيوطى، جلال الدين، *الدرالمتثور*، بيروت: دارالفكر، [بى تا].
١٤. طبرى، ابوجعفر، *جامع البيان فى تأويل آى من القرآن*، محقق: احمد محمد شاكر، [بى جا]: مؤسسه النشر، ٢٠٠٠م.
١٥. عبدالصمد الدارمى، التميمى، *السنن الدارمى*، تحقيق: حسين سليم أسد الدارنى، المملكة العربية السعودية: دارالمغنى للنشر والتوزيع، ١٤١٢ق.
١٦. عسقلانى، ابن حجر، *تهذيب التهذيب*، هند: مطبعة دائرة المعارف النظامية، ١٣٢٦ق.
١٧. عسقلانى الشافعى، ابن حجر، *فتح البارى شرح صحيح البخارى*، بيروت: دارالمعرفة، ١٣٧٩ق.
١٨. لواتى الطنجى بن بطوطة، أبو عبدالله محمد بن عبدالله، *تحفة النظار فى غرائب الامصار و عجائب الاسفار*، بيروت: دارالشرق العربى، [بى تا].



